

### متن پرسش

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته: سرد و بی روح؛ مثل یک سنگم، با خودم سالهاست در جنگم / چه بگویم از این پریشانی، از چنین حال و روز ویرانی، یا بسی توبه های پنهانی / طعم برزخ چشیده اید آیا؟، از قیامت شنیده اید آیا؟ / خسته از خویشم و گریزی نیست، وحشت از تا ابد عقاب شدن، کرده دلریشم و گریزی نیست / ( خود غلط گفتم و ندانستم؛ سنگ، تسبیح می کند همه دم، این منم نا سپاس و بی همدم...)

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ، اگر بشر امروز با توجه به ابعاد اجتماعی اش، در امور سیاسی با هویت قدسی ورود نکند، هر جا که باشد در نیست انگاری است، به خصوص که جزء لاینفک هویت قدسی در این زمانه حتماً با مقابله با استکبار همراه است تا بتوانیم از نیست انگاری دوران عبور کنیم، وگرنه چه مذهبی باشیم و چه روشنفکر، اگر متوجه پوچی دوران و نیست انگاری نباشیم؛ همچنان گرفتار بی تاریخی و بی معنایی خواهیم بود و هیچ کدام از مسیرهای معمولی که عملاً در بستر به رسمیت شناختن نظام استکباری قرار دارند، راه چاره ای برای عبور از نیست انگاری نیست. نباید برای عبور از نیست انگاری، خود را فریب بدهیم، حتی در پوشش عبادات طولانی. اگر حضرت امیرالمؤمنین «علیه السلام» هر شب هزار رکعت نماز می خواندند، در راستای حضوری بیشتر، در افقی بود که با اسلام در مقابل شان گشوده شده بود و این غیر از عباداتی است که انسان را از درک پوچی دوران غافل کند. موفق باشید